

مرام، پیام و کلام همه‌ی پیامبران، هنرمندانه و هنرپرورانه است. برای همین، ساده و سریع با قلب‌ها، اندیشه‌ها و رفتارها گره می‌خورد و پایا، پویا و زایا، در تاریخ و حیات انسانی جاری و ساری می‌شود.

اگر هنر، ره‌آورد تقارن، تناسب، توازن، توالی و تکرار باشد، هندسه‌ی رفتار و گفتار پیامبران جز این نیست و فصاحت و بلاغت کلام پیامبر اسلام نیز چنین است.

هنرمندی و زیبایی وجودی پیامبر را از سه منظر و ساحت می‌توان تحلیل و تبیین کرد:

۱. سیرت و مرام
 ۲. پیام (پیام و حیاتی و قرآنی)
 ۳. کلام (مجموعه‌ی اقوال و گفتار)
- در ساحت سیرت که موضوع این مقاله نیست، رفتار پیامبر سرشار از لطافت و ظرافت است. شیرینی و دل‌نشینی حرکات در سفر و حضر، شکوه و شوکت رفتاری او در عبادت، جاذبه‌ی شگفت در معاشرت و زیبایی و گیرایی حالات او در همه حال، چنان بود که دل‌ها را می‌ربود و

سرسخت‌ترین‌ها را با خویش همراه و هم‌رأی می‌ساخت. **اِنَّكَ لَمَلِكٌ خَلَقْتَ عَظِيمٌ [قلم: ۴]** و **لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ [آل عمران: ۱۵۹]**، توصیف رهبری از همین ساحت وجودی پیامبر رحمت است. در ساحت پیام، هیچ کلام و اثر مکتوبی، شیوایی، رسایی و زیبایی کتاب و حیاتی پیامبر را

ساحت وجودی پیام‌بنوی

دکترای زبان و ادبیات فارسی
دکتر محمدرضا سنگری

هم خوانی متن با کشش و
ظرفیت مخاطب‌ها، بهره‌گیری از
آهنگ برای گره‌خوردگی با ذهن و زبان،
کوتاهی پیام با ضرباهنگ قوی و تأثیرگذار و در کنار
آن موسیقی متناسب با موضوع،
هنری‌ترین زبان و بیان را رقم زده است.
سوره‌ی زلزال را از نظرگاه موسیقی آیات،
به ویژه نغمه‌ی حروف، بررسی کنیم، این
زیبایی و بلاغت شگفت، بیش‌تر
روشن خواهد شد

«زلزله» آفریده است که مجموعه‌ی این حروف در القای
مفهوم و توصیف فضای موضوع بسیار مؤثرند.

۳. شروع سوره‌ها با آهنگ خیزان (شش سوره با
پرسش) و سوگند (۱۷ سوره)، ندا (۱۰ سوره) و فجاءه و
ناگهان (۷ سوره) و... آغاز می‌شوند، شگرد شیرین قرآن
در القای عمیق‌تر، پایاتر و طنین‌دار مفاهیم و مضامین بلند
است. این پردازش هنرمندانه، سرمشق درخشانی برای
همه‌ی کسانی است که دغدغه‌ی تأثیرگذاری و مانایی کلام
دارند.

۴. قصه و مثل، از تکیه‌گاه‌های مهم قرآن برای القای
مطالب و تنزل معانی ژرف و والا به افق فهم است. صدها
داستان و مثل در جای جای قرآن هست که به تناسب
موضوع و با زاویه‌ی دید ویژه‌ای که خاص قرآن است، به
طرح مسائل می‌پردازد. آشنایان با عرصه‌ی بلاغت و
زیبایی کلام به خوبی می‌دانند که قصه و مثل چه جایگاه و
پایگاهی در فرهنگ و ادبیات اقوام و ملل و جوامع انسانی
دارند.

۵. چینش سوره و آیات نیز از مسائل قابل تأمل قرآن
است. حمد که خلاصه و فشرده و به تعبیری دقیق‌تر،
چکیده‌ی قرآن است، در آغاز قرار می‌گیرد و سوره‌هایی
که در آغاز بعثت نازل شده‌اند، در نظام چینش قرآن در انتها
قرار گرفته‌اند! این هندسه‌ی شگفت و شیرین، از دقایق و
ظرایف کتاب آسمانی پیامبر اسلام محسوب می‌شود.

۶. تصویرسازی‌ها و فضاآفرینی‌ها در قرآن، به پیشبرد
مفاهیم و مضامین کمک می‌کنند. توصیف‌ها، متناسب با

ندارد. تناسب‌ها، تکرارها، توازن‌ها، توالی‌ها،
موسیقی روح نواز و آژگان، و بافت بی‌بدیل آهنگین آیات
و سوره‌ها، متنی ممتاز و درخشان را آفریده‌اند که تارهای
روح را می‌لرزاند و خواننده را به رهایی از خاک، و سیر و
سلوک در عالم پاک می‌کشاند.

برخی از شاخصه‌های زیباشناسانه‌ی پیام نبوی-قرآن-
را فهرست‌وار مطرح می‌کنیم، با این توضیح که تحلیل و
تبیین این شاخصه‌ها روشن می‌سازد که «ساختار» قرآن
همان اندازه هنرمندانه است که گفتار آن. به دیگر زبان،
«روش» طرح مسائل در قرآن، هم‌شان و هم‌شانه‌ی
محتواست و شناخت این روش‌ها، ما را در شیوه‌ی
«بسته‌بندی فکر» و نحوه‌ی عرضه‌ی ارزش‌ها یاریگر
است. آن‌چه در این بخش از نوشتار مطرح می‌شود، تنها
نمونه‌هایی از ابعاد زیبایی و هنری ساختار قرآن است:

۱. یکی از ابعاد هنری سخن که در قلمرو ادبیات

امروز مطرح است، بهره‌گیری از آشنایی زدایی و
رازافکنی در نوشته است. آشنایی زدایی و گریز از طبق
معمول‌ها و عادت‌های بیانی، هم «تمرکزآفرین» است
و هم لذت‌بخش و شیرین.

این آزایی ادبی و بلاغی، ۲۹ سوره از مجموعه‌ی

۱۱۴ سوره‌ی قرآن را در بر می‌گیرد. شروع ۲۹ سوره

یعنی بیش از $\frac{1}{4}$ قرآن با حروف مقطعه، بهره‌گیری از

همین روش است. این شیوه‌ی بی‌سابقه‌ی «رازافکنی» و

ابهام‌آفرینی، ورودگاه مناسبی است برای تمرکز خواننده.

۲. نخستین آیات و سوره نازل شده بر پیامبر،

آهنگین، کوتاه و حاوی پیام‌های بنیادین و اصولی دین

هم‌چون توحید و نبوت و معادند. در دوران کودکی

جامعه، بایسته‌ترین روش همین است.

هم‌خوانی متن با کشش و ظرفیت مخاطب‌ها،

بهره‌گیری از آهنگ برای گره‌خوردگی با ذهن و زبان،

کوتاهی پیام با ضرباهنگ قوی و تأثیرگذار و در کنار آن

موسیقی متناسب با موضوع، هنری‌ترین زبان و بیان را

رقم زده است. اگر برای نمونه سوره‌ی زلزال را از نظرگاه

موسیقی آیات، به ویژه نغمه‌ی حروف، بررسی کنیم،

این زیبایی و بلاغت شگفت، بیش‌تر روشن خواهد شد.

در سوره‌ی زلزال، با هم‌آیی حروف «ز» و «ل»، «ذ»

و «ض» و پایان‌بندی و توالی حرف «ا»، آهنگی مناسب

موضوع و موقعیت، آهنگ و لحن خاص می‌یابند. اگر مجموعه‌ی آیاتی را که توصیف جهنم است، با آیاتی که بهشت را تصویر و توصیف می‌کنند مقایسه کنیم، این تفاوت را بهتر درمی‌یابیم. ترسیم چهره‌ی مؤمنان در قیامت چنان دل‌پذیر است که گویی خطوط شادی و بهجت را در چهره‌هایشان می‌توان دید و توصیف چهره‌ی کافران و گناهکاران چنان زنده و بارز است که شرم، حسرت و پشیمانی را در سیمایشان می‌توان تماشا کرد.

این ویژگی‌ها و ویژگی‌های دیگری که با تأمل و درنگ در قرآن یافتنی است، «اعجاز» آن را نشان می‌دهد و معلوم می‌سازد که چرا قرآن مانا، پایا و پویاست و در حصار هیچ عصر و نسلی نمی‌ماند و به عنوان هنری‌ترین زبان و بیان، هدایت اندیشه و جان انسان را در هر زمان می‌تواند برعهده بگیرد.

زیباشناسی کلام نبوی

درست است که پیامبر شعر نسرود و در روزگاری که همه‌ی هنر بلاغی و کلامی عرب در شعر خلاصه می‌شد، پیامبر به دیگرگونه، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی را عرضه کرد، اما سخنان پیامبر-جز موسیقی شناخته‌شده‌ی شعری-همه‌ی آرایه‌ها و زیبایی‌های شعری و هنری را در خویش دارد و هم چون قرآن-معجزه‌ی جاویدان پیامبر-طنین و پژواکی ویژه در ذهن و ضمیر مخاطب می‌یابد. زیبایی و بلاغت سخنان پیامبر در چند ساحت قابل بررسی است:

* ساحت نیایش‌ها

نیایش و دعا، ترجمان و آینه‌ی لحظه‌های زلالی روح است. آمیزه‌ای متناقض‌گونه از ضعف و قوت، در لحظه‌ی نیایش چهره می‌نماید؛ هم بی‌نهایت کوچک ضعیف خویش را فریاد می‌زند و هم به دلیل اتصال و ارتباط با کانون قدرت هستی، توان و قوتی وصف‌ناپذیر می‌یابد.

دعا جز تلطیف احساسات، پالایش درون، پیوند و ارتباط جان به آسمان، فرصت اعتلای خواسته‌ها و آرمان‌هاست و موقعیت نیرومندسازی انسان در گره‌زدن خویش به حضرت باری تعالی است. نیایش‌ها و ادعیه،

نه تنها لطیف و نرم و خوش‌آهنگ که سرشار از مضامین ژرف و بلند معارف و آموزه‌های انسان‌سازند. موسیقی و آهنگ دلنشین ادعیه باعث می‌شود که بر ذهن و زبان راحت‌تر بنشینند و به روانی آب نیز زمزمه شوند. ادعیه و نیایش‌های پیامبر نه تنها از این قاعده مستثنا نیستند که سجع و آهنگ دل‌پذیر آن‌ها، تارهای دل را می‌نوازد؛ توالی افعال، کوتاهی و ایجاز جملات و موسیقی حروف این نیایش‌ها را گوش نواز می‌سازد.

امام حسن مجتبی (ع) می‌گوید: رسول خدا این دعا را به من آموخت تا در قنوت نماز وتر بخوانم: اللهم اهدنی فیمن هدیت و عافنی فیمن عافیت و تولنی فیمن تولیت و بارک لی فیما اعطیت و قنی شر ما قضیت فانک تقضی ولا یقضی علیک و انه لا یدل من و آیت تبارک ربنا و تعالیت [تاریخ ابن عساکر، ج ۴، ص ۲۰]. ایجاز در کلام، موسیقی دل‌انگیز، سجع‌های متوالی، نغمه‌ی حروف، تقدم و تأخرهای کلام، طنین و پژواکی دل‌پذیر از این نیایش را در ذهن و جان می‌آفریند و باعث می‌شود که روان و نرم بر دل بنشینند و به لطافت حریر، آرامش و التذاذ درونی ایجاد کند.

مجموع ۴۳ دعای پیامبر که در نهج الفصاحه ذکر شده و آغاز همه‌ی آن‌ها با «اللهم» است (ص ۲۷۲-۲۶۸)، همین ویژگی را دارند. در تمام ادعیه-جدا از مفاهیم و مضامین عمیق و پیام‌های ژرف اخلاقی و اجتماعی-آهنگ کلام دارای زیبایی و گیرایی اعجاز‌گونه است. با ذکر نمونه‌ای آشنا که زمزمه‌ی بسیاری از اهل دل است، این بخش را پایان می‌بخشیم:

«اللهم ائی اعوذ بک من علم لا ینفع و من قلب لا ینشع من و دعاء لا یسمع و من نفس لا تشبع اعوذ بک اللهم من شر هؤلاء الاربع» [نهج الفصاحه، ص ۲۷۲]. موسیقی این متن به‌ویژه با پنج سجعی که در کلام دیده می‌شود، گوش‌نوازتر و محسوس‌تر شده است. سیری در مجموعه‌ی ادعیه‌ی اسلامی روشن می‌سازد که همه‌ی این متون، سرشار از لطافت‌ها و ظرافت‌های بیانی و بدیعی و آرایه‌های شگفت و ساخت‌های دل‌پذیر در ساحت معانی هستند. تردیدی نیست که ادبیات عرفانی ایران-به‌ویژه نیایش‌ها و براعت استهلال‌های متون



ادبی فارسی- متأثر از همین متون نیایشی معصومین (ع) بوده است که خود نیازمند پژوهشی مستقل است. در این میان، نیایش‌های امام سجاده (ع) را چه از نظر تأثیر موسیقایی و چه مضامینی که در متون عرفانی فارسی وجود دارد، باید مستقلاً رصد کرد که دریغا، هنوز کاری درخور، در این زمینه صورت نپذیرفته است.

* جملات قصار

گزیده‌گویی و رعایت اختصار و اقتصاد در کلام، شیوه‌ی پیامبر و همه‌ی بزرگان در سخن گفتن است. اکثر و پرگویی بی محتوا، گواه نهی بودن ذهن و ضمیر است. در سیرت پیامبر آمده است که کوتاه سخن می گفت و خطبه را خلاصه می خواند [تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۳۲۲]. گاه نکته‌ای را سه بار تکرار می کرد تا کاملاً تأثیر بگذارد و

در ذهن مخاطب بماند. اگر مجموعه‌ی سخنان باقی مانده از پیامبر که قطعاً همه‌ی سخنان وی نیست، مطالعه شود، کوتاه بودن عمده‌ی آنان چشمگیر و محسوس است. از مجموع ۵۷۸۵ سخن وی در نهج‌الفصاحه^۱، حدود ۶۰ درصد آن بیش از یک جمله نیستند. ایجاز در کلام پیامبر، تنها یکی از ابعاد هنری و زیباشناسانه‌ی کلام اوست. ساختار زیبا و موسیقی کلام از دیگر شاخصه‌های سخنان پیامبر است و همان‌گونه که پیش از این گفته شد، مانایی، گیرایی و به حافظه نشستن سخنان وی از همین جا سرچشمه می گیرد؛ هر چند عمق و جلوه‌های معنایی را نیز در این تأثیرگذاری نباید نادیده گرفت.

نمونه‌هایی از این سخنان کوتاه و گیرا را مرور می کنیم:

● «إِذَا اسْتَشَاطَ السُّلْطَانُ تَسَلَّطَ الشَّيْطَانُ»: چون سلطان به خشم آید، شیطان سلطه می یابد.

● «دَعُ قَيْلَ وَقَالَ وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ وَاضَاعَةُ الْمَالِ»: بر قیل و قال و بسیار خواه مباش و مال خویش را تباه مکن.

یکی از آرایه‌های ادبی که در کلمات قصار پیامبر، فراوان یافت می شود، تشبیه است؛ تشبیهات زیبا و دل‌نشینی که نه تنها سخن را جذاب که مفاهیم بلند و عمیق را عینی و ملموس می سازند.

چند نمونه از این تشبیهات بدیع را با درنگ و تأنی بخوانیم:

● «مَالِي وَلِلدُّنْيَا، مَا أَنَا وَالدُّنْيَا إِلَّا كَرَآكِبٍ اسْتَظَلَّتْ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَ كَهَا»: مرا به دنیا چه کار؟ من همانند سواری هستم که در سایه سار درختی، اندکی می آرمد و آن‌گاه می رود و درخت را وامی گذارد.

یکی از آرایه‌های ادبی
که در کلمات قصار پیامبر، فراوان
یافت می شود، تشبیه است؛
تشبیهات زیبا و دل‌نشینی
که نه تنها سخن را جذاب که مفاهیم
بلند و عمیق را عینی و ملموس
می سازند





● «مثل أمّی مثل المطر لا یدری اوله خیر ام آخره»: مثل است من هم چون باران است که نمی دانند آغازش خوب است یا پایانش.

می بینیم که در این تشبیهات همه ی ارکان تشبیه وجود دارند. تشبیه زیبایی بعد و درنگ در آن، زیبایی کلام پیامبر را بیش تر می نمایاند.

● «مثل القلب مثل ریشه بارض تعلیها الریاح»: حکایت قلب هم چون ریشه ای است در سرزمین بادخیز، که باد پیوسته زیر و رویش می کند [نهج الفصاحه، ص ۲۰۰].

● نامه های پیامبر

هر چند به تصریح قرآن، پیامبر خط ننوشت، اما از اقدامات پیامبر، ارسال نامه برای سران و رهبران کشورها، و دعوت آنان به آیین آسمانی اسلام است. و اکتش پادشاهان در برابر دعوت رسول خدا، متفاوت بود. برخی از آنان ندای حق را اجابت کردند و به آیین اسلام مشرف شدند، بعضی از ایشان اگرچه ظاهرآ پاسخ مثبت ندادند، اما واکنشی نیکو نشان دادند، و برخی نیز با تکبر و تمسخر با پیام مبارک نبوی برخورد کردند [سیره پیامبر در رهبری و انسان سازی، ص ۱۵۲].

پیامبر، بیک های خویش را به ایران، روم، حبشه، مصر، یمامه، بحرین و حیره (اردن) روانه می کردند. نامه ها با مهر «محمد رسول الله» مزین می شد و پاکت نامه نیز با موم مخصوص مهر می شد. توالی نامه های پیامبر از سال هفتم هجری تا سال نهم هجری، و دارای تاریخ است. «اکتون ۱۸۵ نامه از نامه های پیامبر که برای تبلیغ و دعوت و پایه عنوان میثاق و پیمان نوشته است، در دست داریم» [فروع ابدیت، ص ۶۹۱].

نامه های پیامبر، کوتاه، صریح، با ضرباهنگ قوی، دارای آهنگ محسوس و معمولاً آراسته به آیات قرآنی است. در پایان نامه ی کوتاهش به خسرو پوز می گوید: «فانی انار رسول التام کافه لاندر من کان حیاً و یحل القول علی الکافرین اسلم تسلم فان ابیت فعلیک ام المسجوس؟» [طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۰].

شیوه ی محاکمه و الدار بلیاتی، تکان دهنده و هنرمندانه است که تنها اهل بلاغت زیبایی، گیرایی و تأثیر گذاری آن را در می یابند.

● خطابه ها و وصایا

فصاحت و بلاغت کلام پیامبر زینتزد همگان بود. او خود را افصح عرب می دانست. تأثیر و گیرایی سخن او اعجاب و شگفتی همگان را برمی انگیزد. وقتی بر منبر می نشست، رسایی و زیبایی کلامش نفس ها را در سینه حبس می کرد. تکرارها، زیر و بم ها، کلماتی جملات و درنگ ها مثل بارانی که زمین تشنه را به شگوفایی و باروری برساند، جان های مشتاق را میراب و سرسبزی و طراوت می بخشید.

یکی از خطابه های مؤثر و زیبایی پیامبر، آخرین خطبه ی زندگی اوست. خطبه ای در تسب و تنهایی آخرین سخنان، آخرین درس ها و آخرین وصایا. شیوه ی بیان رسول خدا در این خطبه برای همه ی کسانی که خطابه خوان، سخن ران و مصاحبه گرند، درس آموز است؛ شیوه ی چشش مباحث، مقاطع سخن، انحوی ورود و خروج، التفات های ادبی، ایستگاه های سخن همه و همه نهایت بلاغت و زیبایی و انشان می دهند. شگفت آن است که با همه ی شناختگی، یک بار

دیگر خود را معرفی می کند، سپس از مرگ خویش خبر می دهد و آن گاه با جملاتی کوتاه، صریح و هشدار دهنده آغاز می کند و در هر بخش از سخنانش با درنگی کوتاه از مردم چشم می گیرد و به آسمان نگاه می کند و می گوید: «اللهم هل بلغت؟» و این جمله را نه بار تکرار می کند که بی تردید جز تکرار تأثیر گذار، فرصتی برای تثبیت و القای بهتر سخن می تواند باشد.

تنها به بخشی از این وصیت و خطبه ی شکوهمند اشاره و پسنده می کنیم تا بافت و ساخت مؤثر و بلیغ آن بهتر احساس شود: «اللله الله فی دینکم و ما اتاکم، الله الله فی ما ملکتم ایمانکم، اطعموهم مما تأکلون و اکتوهم مما تکتسون و لا تکلفوهم مما لا یطیقون، فانها لحم و دم و خلق امثالکم آلا و من ظلمهم فاننا حضمه یوم القیامة و الله حاکمهم، الله الله فی النساء اوفوا لهن مهرهن و لا تظلموهن فتخریکم حسناتکم یوم القیامة اللهم هل بلغت؟» [آخرین گفتارها در پایان زندگی، ص ۲۲].

ای مردم! خدارا، خدارا، از دیتان برسید و از آن چه از سوری خدا برایتان آمده است. خدارا، خدارا،

زیر نویس

1. alliteration

۲. نهج الفصاحه ترجمه‌ی ابراهیم احمدیان مرجع جملات نهج البلاغه در این مقاله است.
۳. در زمینه‌ی این خطبه به تفصیل در کتاب «در آفاق تربیت» (ص ۱۳۳-۱۰۲) سخن گفته‌ام.
۴. و ما یطق عن الهوی.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. شافعی، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله. تاریخ ابن عساکر. تحقیق از محمدباقر محمودی. مؤسسة المحمودی (بیروت) و کانون احیای فرهنگ اسلامی. قم.
۳. نهج الفصاحه. ترجمه‌ی ابراهیم احمدیان، گلستان ادب. قم. ۱۳۸۵.
۴. الصفار، سالم. سیره‌ی پیامبر در رهبری و انسان‌سازی. ترجمه‌ی غلامحسین انصاری. شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر). چاپ دوم. ۱۳۸۵.
۵. سبحانی، جعفر. فروع ابدیت. مؤسسه‌ی بوستان کتاب. چاپ بیست و یکم. ۱۳۸۵.
۶. ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع. طبقات الکبری. دار صادر و دار بیروت. بیروت. ۱۹۵۷.
۷. سنگری، محمدرضا. در آفاق تربیت. انتشارات خورشید باران. چاپ اول. ۱۳۸۵.
۸. راجی قمی، محمد. آخرین گفتارها در پایان زندگی. انتشارات چاپخانه حیدری. بی جا. ۱۳۷۴.

در آن چه در پیمان دارید و زیر دستانتان هستند. از آن چه می‌خورید، به آن‌ها بخورید و از آن چه می‌پوشید، به آنان پوشانید. فراتر از ظرفیت و توانشان بر آنان تحمیل نکنید، زیرا آنان نیز همانند شما از گوشت و خون آفریده شده‌اند. آگاه باشید، هر آن کس بر آنان ستم روا دارد، در قیامت، من او را دشمنم و خدا میان آن‌ها داوری می‌کند.

شمارا به خدا، شمارا به خدا، پاس حق زنان بدارید. مهریه‌هایشان را بپردازید. به آنان بدی نکنید و گرنه تمام حسنات شما در قیامت تباه خواهد شد. پروردگارا! آیا پیام خویش رساندم؟

درنگ و پژوهش در سخنان پیامبر در این اندک نمی‌گنجد. باید صاحب نظران از زوایای گوناگون به تحلیل و تبیین کلامی که جوشیده از متن قرآن و به تعبیر قرآن، خاستگاه آن «هوی» نیست بپردازند؛ تا تشنه‌کامان، جام‌جام، کام خود را در این سیرابی بخشند و از این کوثر زلال برای تطهیر رویشان بکشند و سازندگی جهان و جهان‌بهره‌مندانی را برپا سازند.

